

ائتلاف نظامی-امنیتی جمهوری آذربایجان با رژیم صهیونیستی و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران

حمید احمدی^۱

رضا کدخدازاده^۲

چکیده

از آنجائی که ایران دارای مرزهای خاکی و آبی قابل توجهی به طول ۷۶۷ کیلومتر با جمهوری آذربایجان است، و از سویی دولت رژیم صهیونیستی نیز اصلی ترین تهدید برای جمهوری اسلامی ایران به شمار می آید، ائتلاف سیاسی-امنیتی میان باکو و تل آویو می تواند امنیت ملی ایران در قفقاز جنوبی را با چالش جدی روبرو کند. بر این اساس، این سوال را می توان مطرح کرد که «گسترش روابط میان دولت جمهوری آذربایجان با دولت رژیم صهیونیستی که این دو دولت را به سوی ائتلاف سیاسی-امنیتی سوق داده، چه تأثیری بر امنیت ملی ایران دارد؟» در پاسخ به این پرسش، فرضیه مقاله حاضر این است که «گسترش روابط باکو-تل آویو از راه ائتلاف نظامی-امنیتی و سیاست های هویتی ناشی از آن، امنیت ملی ایران را با چالش جدی مواجه و جمهوری آذربایجان را به تهدید شماره یک ایران در قفقاز جنوبی تبدیل کرده است.» هدف از این پژوهش تبیین تهدیدهایی است که امنیت ملی ایران از ناحیه دولت جمهوری آذربایجان و با توجه به گسترش روابط آن با رژیم صهیونیستی، مواجه می شود. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش، روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای است.

واژگان کلیدی: ایران؛ امنیت ملی؛ جمهوری آذربایجان؛ رژیم صهیونیستی؛ پان ترکیسم

hahmdi@ut.ac.ir

۱. استاد تمام گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای (آسیای مرکزی و قفقاز)، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران. (نویسنده مسئول)

Rezakadkhodazade@ut.ac.ir

جستار گشایی

یکی از تحولات مهم سال‌های اخیر در منطقه قفقاز جنوبی، گسترش روابط جمهوری آذربایجان با رژیم صهیونیستی در حوزه‌های گوناگون سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی بوده است (Göksel, 2015: 655)؛ که از پیامدهای آن می‌توان به افزایش کنش‌های تقابلی دولت باکو با جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. توسعه روابط باکو-تل‌آویو به گونه‌ای بوده است که می‌توان گفت روابط دو کشور، دیگر صرفاً یک رابطه سیاسی معمولی نیست. در این راستا، برخی از گزارش‌ها حاکی از آن است که دولت باکو در نتیجه همکاری امنیتی با رژیم صهیونیستی، خاک خود را نیز جهت انجام مقاصد جاسوسی و خرابکارانه تل‌آویو علیه تهران در اختیار رژیم صهیونیستی قرار می‌دهد (طالبی، ۱۳۹۲: ۶). از سویی دیگر، نظر به اینکه یکی از اهداف کلان رژیم صهیونیستی در قفقاز، کنترل و تأثیرگذاری بر پروژه «پان‌ترکیسم»^۱ از ایدئولوژی‌های جدی تهدیدکننده تمامیت ارضی و امنیت ملی ایران- است (فلاح، ۱۳۸۹: ۴۹-۵۸)، ائتلاف دیپلماتیک این کشور با جمهوری آذربایجان باعث شده که در سال‌های اخیر، به همراه آمریکا از طریق باکو و با استفاده از مولفه قومیت، ایران را تحت فشار قرار دهند (Shear, 2011). در این راستا دولت باکو در نتیجه تحریک و حمایت رژیم صهیونیستی و آمریکا، «کنگره آذری‌های جهان» را در شهر لس‌آنجلس آمریکا تاسیس کرد که یکی از اهداف آن، بی‌گمان تحریک ایرانیان آذری و تهدید تمامیت سرزمینی ایران بوده است (امیراحمدیان، ۱۳۸۴: ۳۶۷). این واقعه نشانگر آن است که رژیم صهیونیستی سعی دارد ضمن برقراری سطح بالایی از روابط دیپلماتیک با جمهوری آذربایجان، آنها را وادار به پذیرش این امر کند که از طریق مسأله قومیت‌ها در ایران، تهران را زیر فشار قرار دهند و بدین وسیله، سبب تغییر سیاست‌های ایران در منطقه شود (زیباکلام و دیگران، ۱۳۹۳: ۹۴).

هدف از پژوهش حاضر، تبیین تأثیر ائتلاف دیپلماتیک باکو-تل‌آویو بر امنیت ملی ایران با استفاده از نظریه «مجموعه امنیت منطقه‌ای» است که با توجه به اهمیت استراتژیک منطقه قفقاز جنوبی برای ایران، هرگونه تهدید امنیتی در آن، باید به دقت مورد توجه کارگزاران جمهوری اسلامی ایران قرار بگیرد. نظر به ضرورت و اهمیت خطیری که تأمین امنیت کشور از ناحیه مرزهای شمالی و غربی برای ایران دارد و در طول تاریخ نیز از این نواحی همواره با تهدیدات جدی مواجه بوده است، ایران نمی‌تواند و نباید مسائل و موضوعات امنیتی‌ساز در کشورهای همسایه خود، به ویژه کشوری مانند جمهوری آذربایجان را - که با ایران پیوستگی تاریخی، جغرافیایی، و قومی دارد- نادیده بگیرد. بر این اساس، هرگونه کنش حساسیت‌برانگیز از سوی دولت باکو که در نتیجه سطح ویژه‌ای از روابط دیپلماتیک این کشور با دولت متخاصمی همچون رژیم صهیونیستی انجام گیرد، مسأله‌ای نیست که ایران بتواند از آن چشم‌پوشی کند. بدینسان این سوال

قابل طرح است که «گسترش روابط میان دولت جمهوری آذربایجان با دولت رژیم صهیونیستی که این دو دولت را به سوی ائتلاف دیپلماتیک با یکدیگر سوق داده، امنیت ملی ایران را با چه مسأله‌ای مواجه کرده است؟»

تعاریف

امنیت ملی: واژه «امنیت»^۱ مفهومی است که معانی گسترده‌ای را در بر می‌گیرد. از جمله: عاملی که تضمین‌کننده حیات و بقای انسان و به طور کلی، تمام موجودات زنده است؛ عامل اصلی محیاکننده برای تامین نیازهای اساسی و حیاتی زندگی انسان است؛ مهم‌ترین آرمان انسان‌ها است؛ آرامش و تعادل انسان کاملاً بدان مربوط است؛ و عاملی است که تمام حالات و شرایط انسان و جامعه به آن مرتبط است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۲۴-۳۲۵). فرهنگ آکسفورد امنیت را اینگونه تعریف کرده است: «رهایی از خطر و ناراحتی و تدابیری که برای حفاظت در برابر تجاوز و تهاجم اتخاذ می‌شود» (Cowie, 1989: 1143). آنچه آمد تعریف عام از امنیت بود، و متفکران علم سیاست، امنیت را در ساحات گوناگونی به طور مجزا نیز تعریف می‌کنند که «امنیت ملی»^۲ یکی از آنها و به نوعی می‌توان گفت مهم‌ترین‌شان است. بر این اساس، امنیت ملی ناظر بر «آزادی و رهایی نسبی یک کشور از تجاوز نظامی، اقتصادی و سیاسی و همچنین داشتن توانایی کافی برای واکنش موثر به هرگونه تجاوز از سوی دیگران است (Elliot and Reginald, 1989: 71).

ائتلاف دیپلماتیک

«ائتلاف»^۳ به کنش دسته‌جمعی تعداد معینی کنشگر گفته می‌شود که برای دستیابی به هدفی مشترک، رفتارهای خود را به صورت موقت هماهنگ و کنترل می‌کنند (عطار و کاظمی، ۱۳۹۵: ۱۱۷). ائتلاف، طیف وسیعی از بازیگران -از افراد گرفته تا احزاب و دولت‌ها- را در برمی‌گیرد که مشخصاً در مقاله حاضر ائتلاف میان دولت‌ها مورد نظر است. ائتلاف میان دولت‌ها در روابط بین‌الملل را بیشتر بر پایه «نظریه بازی‌ها»^۴ تبیین می‌کنند (Kumar, 2004: 4) که بر اساس آن، سود مشترک و زیان مشترک، کانون تصمیم دو بازیگر برای ائتلاف در راه رسیدن به اهداف مشترک است. عموماً ائتلاف دیپلماتیک میان دولت‌هایی انجام می‌گیرد که فرض آن دو این است که با تجهیز توانایی‌های خود به تنهایی نمی‌توانند اهداف‌شان در مورد کشور ثالث را پیش ببرند و از این رو با دولت دیگری که دارای اهداف مشابه در سیاست خارجی خود است ائتلاف دیپلماتیک کرده و تعهداتی را به یکدیگر می‌سپارند (هالستی، ۱۳۹۴: ۱۸۰).

1. Security
2. National Security
3. Coalition
4. Game Theory

چنانچه توسیدید در کتاب مشهور خود - «تاریخ جنگ پلوپنزی» - عامل «ترس متقابل»^۱ را محکم‌ترین مبنای تشکیل ائتلاف دیپلماتیک میان کشورها می‌داندست (Orwin, 1994: 66)، همچنان نیز می‌توان گفت این عامل - خواه در شکل عینی و خواه در شکل ذهنی و تصویری - عامل اصلی ائتلاف دیپلماتیک میان کشورها است. اگرچه در ظاهر امر، شرایط جغرافیایی و به ویژه داشتن راه‌های ارتباطی، نقش مهمی در ایجاد و قوام ائتلاف میان دو کشور دارد، اما در نظام بین‌الملل، ائتلاف‌ها معمولاً میان کشورهایی انجام می‌گیرد که فاقد راه‌های ارتباط زمینی با یکدیگر هستند. این امر بیش از هر چیزی ناظر بر گزاره‌ای در نظریه «واقع‌گرایی»^۲ در سیاست بین‌الملل است؛ چنانچه ماکیاوول به شهریار توصیه می‌کرد که با همسایگان دشمنان خود اتحاد و ائتلاف تشکیل دهد (ماکیاوولی، ۱۳۹۸: ۳۲). بر این اساس می‌توان گفت رابطه الزامی میان ائتلاف دیپلماتیک با عوامل جغرافیایی وجود ندارد و منشا اصلی اتخاذ سمت‌گیری مبتنی بر اتحاد و ائتلاف دیپلماتیک، در واقع تصور مشترک از یک خطر است که در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی دارای اهمیت بیشتری از سایر مولفه‌ها است (هالستی، ۱۳۹۴: ۱۸۵).

مبانی نظری

تبیین این مقاله با هدف بررسی علل و آثار گسترش روابط جمهوری آذربایجان با رژیم صهیونیستی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، در پرتو نظریه «مجموعه امنیتی منطقه‌ای»^۳ و «دکترین پیرامون»^۴ انجام می‌شود. نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، نظریه‌ای است که مسائل مرتبط با امنیت در سطح ملی و بین‌المللی را در سطح تحلیل منطقه‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. هدف از این نظریه رسیدن به فهمی منطقه‌ای‌محور از جهان است که هم بتواند با نظریه‌ای حداقلی، به تبیین امنیت یک منطقه بپردازد و هم با نظریه‌ای حداکثری، فرصتی را فراهم کند تا مناطق را با یکدیگر مقایسه نماید (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۲۷۷). نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای صرفاً ابزاری برای تحلیل است و از این نظر، به مانند دوربینی فرضی عمل می‌کند که کار آن نشان دادن نحوه نگرش به سطح منطقه مورد تحلیل است (بوزان، ۱۳۹۰: ۲۱۶). امروزه نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای از نظریات مهم در حوزه مطالعات امنیتی در سطح نظام بین‌الملل است و این امر فرآیندی است که با پایان جنگ سرد و نظام دو قطبی که در اثر آن، کیفیت، نفوذ و راهبردهای امنیتی قدرت‌های بزرگ رو به افول گذاشت و متعاقب آن، نقش و کارکرد بازیگران و قدرت‌های منطقه‌ای افزایش یافت - ادامه‌دار بوده است (Stein and Lobell, 1997: 119).

ایده بنیادین نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای بر این اصل استوار است که چون سرعت انتقال تهدیدات در فواصل کوتاه به مراتب بیشتر از انتقال در فواصل بلند است، وابستگی متقابل امنیتی به شکل طبیعی افزایش می‌یابد و الگویی از امنیت را پدید می‌آورد که در سطح منطقه قابل بررسی می‌شود

1. Mutual Fear
2. Realism
3. Regional Security Complex Theory (RSCT)
4. Periphery Strategy

(عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۲۷۸). «آرون فریدبرگ»^۱ از اندیشمندان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل بر این عقیده است که از نظر تاریخی، دولت‌ها در وهله اول، باید نگران همسایگان خود باشند؛ چرا که میزان وابستگی متقابل امنیتی و فرآیندهای امنیتی شدن در مجموعه‌ای از چند دولت همسایه به مراتب بیشتر از مجموعه‌ای از دولت‌های فاقد پیوند همسایگی است (Friedberg, 2011: 157). نظر به اینکه جمهوری آذربایجان دارای مرزهای خاکی و آبی قابل توجهی با ایران است، بر پایه نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای می‌توان این مهم را یادآور شد که هر دولتی در ایران لازم است میزانی از نگرانی نسبت به تهدیدهایی که ممکن است از سوی همسایگانش، امنیت ملی کشور را با مخاطره مواجه کند، داشته باشد. خاصه آنکه دشمن اصلی ایران در سرزمین همسایه، حضور جدی نیز داشته باشد.

از آنجایی که قرابت و همسایگی می‌تواند مولفه مهمی در جدی بودن یک تهدید باشد، توجه به این نکته نیز ضرورت دارد که امنیتی شدن یک موضوع الزاماً ربطی به وجود تهدید واقعی و عینی ندارد، بلکه حتی اظهار آن نیز می‌تواند به عنوان تهدید در نظر گرفته شود (Buzan and Wæver, 2009: 24). این امر برای کشورهایی که در همسایگی یکدیگر و در منطقه‌ای قرار دارند که تجربه طیف وسیعی از وقایع تاریخی منازعه را دارا است، در بحث امنیت منطقه‌ای دارای اهمیت بیشتری نیز می‌شود. نظر به این که عوامل امنیتی ساز توسط کشور «الف» برای کشور «ب» لزوماً عینی نیستند، در واقع می‌توان مسأله امنیت را موضوعی «بین‌ذهنی»^۲ و «خودارجاعی»^۳ دانست که بر این اساس، بر این امر تاکید می‌شود که امنیت، ناظر به برداشت ذهنی مخاطب هدف از سوی بازیگر امنیتی ساز است (Balzacq, 2005: 172). مبتنی بر این گزاره، ایران نمی‌تواند برخی از تهدیدهای جاری در جمهوری آذربایجان را که با دخالت بازیگران خارجی مانند رژیم صهیونیستی بروز می‌کند، به صرف اینکه از حوزه‌های کلامی فراتر نرفته است نایده بگیرد و مخاطرات آنها برای حوزه‌های گوناگون امنیت ملی را نادیده بگیرد. به عنوان مثال وقتی نماینده پارلمان این کشور، تمامیت ارضی ایران را مورد حمله قرار می‌دهد، ایرانیان دیگر نمی‌توانند آن را تهدیدی لفظی و غیرواقعی بدانند.

در تعریف امنیت منطقه‌ای، مولفه اصلی که به روابط قدرت افزوده می‌شود، الگوی دوستی و دشمنی بین دولت‌هاست. در اینجا مقصود از دوستی، وجود طیفی از انتظار حمایت و حفاظت، و منظور از دشمنی، وجود طیفی از سوءظن و هراس است و آنچه که این دو را از یکدیگر جدا می‌سازد، شکلی از بی‌طرفی مثبت است که در آن دوستی یا دشمنی به قدری ناچیز است که عاملی برای تهدید به حساب نمی‌آید (بوزان، ۱۳۹۰: ۲۱۵). در نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای توزیع قدرت تنها عامل برای تعیین الگو یا الگوهای منازعه در منطقه نیست بلکه عامل دوستی یا نفرت تاریخی نیز می‌تواند در شکل‌گیری الگوهای فراگیری از تهدید و همکاری

1. Aaron Friedberg

2. Intersubjective

3. Self-Reference

بین دو کشور از یک مجموعه امنیتی اثرگذار باشد و بر این اساس، مولفه‌های گوناگونی مانند مذهب، زبان، فرهنگ، تاریخ و مواردی مانند اینها، الگوهای دوستی یا دشمنی را تحت تأثیر قرار دهند (Buzan and Wæver, 2009: 51). همچنین در این نظریه، ساختار بیش از آنکه عینی باشد، ماهیتی ذهنی دارد و شکل‌گیری تهدیدات به شکل پایداری تابع فرهنگ، عقاید و تاریخ است (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۲۷۷). بر این اساس، الگوهای دوستی و دشمنی از موضوعاتی نیز ناشی می‌شود که تابع اموری مانند اختلافات مرزی مبتنی بر جغرافیای سیاسی یا انسانی -همچون علاقه به جمعیت‌های مرتبط از لحاظ قومیتی، مذهبی، زبانی و ایدئولوژیک- است (بوزان، ۱۳۹۰: ۲۱۶). این گزاره در نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، از این منظر به بحث مقاله حاضر کمک می‌کند که می‌دانیم بخشی از جمعیت ایران با اکثریت جمعیت جمهوری آذربایجان دارای اشتراک زبانی و مذهبی هستند و با توجه به اینکه ایرانیان آذری عمدتاً در نزدیکی مرزهای جمهوری آذربایجان ساکن هستند، هرگونه کنشی از سوی دولت باکو که ناظر بر ویژگی‌های قومیتی و زبانی باشد، می‌تواند به مسأله‌ای امنیتی برای ایران تبدیل شود.

نکته مهم دیگری که در تعریف یک مجموعه امنیتی حائز اهمیت است، نقش عامل اقتصاد در آن است. بدین معنا که در بحث مسأله امنیت دولت‌های یک منطقه امنیتی، نخست باید به ابعاد نظامی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی میان آنها نگریست و روابط اقتصادی لزوماً به اندازه این مولفه‌ها تأثیرگذار نیست و در نتیجه، پویای نسبی امنیت اقتصادی متفاوت از ملاحظات امنیت سیاسی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی است (بوزان، ۱۳۹۰: ۲۲۷). بر پایه این گزاره می‌توان گفت روابط اقتصادی میان دو کشور در یک مجموعه امنیتی، نمی‌تواند عامل قطعی برای مناسب بودن روابط دو کشور در سایر سطوح باشد. بر این اساس قابل ذکر است که روابط اقتصادی توجه میان ایران و جمهوری آذربایجان را نمی‌توان به معنای امنیتی نبودن سایر حوزه‌های روابط دو کشور دانست. به همین دلیل برخی از کارشناسان قفقاز، معتقدند که روابط تهران-باکو با وجود پیوندهای عمیق فرهنگی و مذهبی، هیچ‌گاه مطلوب و دوستانه نبوده و روابط سیاسی دو کشور نیز تحت تأثیر ائتلاف سیاسی-نظامی و امنیتی باکو با رژیم صهیونیستی و آمریکا قرار داشته است (کولایی، ۱۳۸۹: ۸۷).

تا بدینجا، چارچوب نظری پژوهش حاضر بر مبنای تهدیدات امنیتی‌ای که ایران در منطقه قفقاز از سوی جمهوری آذربایجان مواجه است مورد بررسی قرار گرفت؛ حال با توجه به اینکه ائتلاف دیپلماتیک میان رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان در کانون موضوع این پژوهش قرار دارد، در این بخش لازم است از منظر تئوریک به حضور رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان نیز پرداخته شود. از آغاز تاسیس رژیم صهیونیستی در غرب آسیا، این کشور اگرچه با توجه به مزیت تکنولوژی به ویژه در زمینه تسلیحات نظامی توانست بر همسایگان عمدتاً عرب و مسلمان خود فائق آید، اما به هر حال به صورت جزیره‌ای در محاصره این کشورها قرار گرفت. بر این اساس، رژیم صهیونیستی برای بقا نمی‌توانست صرفاً به مزیت نسبی‌اش در قدرت تکنولوژیکی و نظامی متکی باشد؛ به همین دلیل سران این کشور از ابتدا به فکر

راهبردی برای خروج از این شرایط یا دست کم خنثی نمودن این معضل ژئوپلیتیکی خود بوده‌اند. در این راستا تل‌آویو راهبردی را تحت عنوان «دکترین پیرامون»^۱ در دستور کار خود قرار داد که بر اساس آن رژیم صهیونیستی می‌بایستی برای جبران معضل ژئوپلیتیکی مزبور، گسترش روابط و ائتلاف با کشورهای غیر عرب را در دستور کار قرار دهد.

سیاست دکترین پیرامون که توسط «دیوید بن‌گورین»^۲ و «الیاهو ساسون»^۳ طرح‌ریزی شد، رفع خطر ائتلاف کشورهای عربی همسایه رژیم صهیونیستی را در پرتو ائتلاف با کشورهای نزدیک و پیرامون نزدیک خود دنبال می‌کرد (Boucek and Revkin, 2011: 20). در این راستا برقراری روابط دوستانه با پاکستان، ترکیه و ایران پیش از انقلاب اسلامی در دستور کار سران رژیم صهیونیستی قرار گرفت و پس از فروپاشی شوروی، دکترین پیرامون در مورد کشورهای تازه استقلال یافته نیز دنبال شد. نظر به اهمیت استراتژیک قفقاز جنوبی، رژیم صهیونیستی در راه اجرای راهبرد مزبور، نفوذ در این منطقه را به شکل جدی از راه برقراری روابط تنگاتنگ با جمهوری آذربایجان دنبال کرد و دولت باکو نیز با توجه به دلایل گوناگونی از جمله نیاز به تسلیحات پیشرفته در جبهه قراباغ و همچنین ترس از قدرت همونیکی و تاریخی روسیه و ایران، از ورود تل‌آویو به قفقاز استقبال کرد.

در بررسی راهبرد تل‌آویو در قفقاز و سیاست‌گذاری‌هایش در این منطقه، خاصه در روابطش با باکو، باید به این مهم نیز توجه کرد که رژیم صهیونیستی در قالب اجرای سیاست دکترین پیرامون، برنامه‌های وسیعی از سیاست‌های هویتی و فرهنگی را در جمهوری آذربایجان طرح‌ریزی و اجرا کرده است (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۵: ۲۵). سران تل‌آویو در راستای پیشبرد دکترین پیرامون، علاوه بر اینکه به برقراری روابط تنگاتنگ با کشورهای غیر عرب منطقه نظر داشته‌اند، به حمایت از گروه‌های قومیت‌گرا و تجزیه‌طلب منطقه نیز می‌پردازند (Boucek and Revkin, 2011: 20). به عنوان نمونه، در راستای همین سیاست، انجمنی تحت عنوان «انجمن بین‌المللی رژیم صهیونیستی-آذربایجان» را تاسیس کرده که از جمله اهداف اصلی آن، تلاش برای جایگزینی ایدئولوژی پان‌ترکیسم به جای باورهای دینی و شیعی در جمهوری آذربایجان و کاهش نفوذ مذهبی ایران در این کشور است (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۵: ۶۴). بر این اساس، در طول سال‌های اخیر، در رژیم صهیونیستی کنفرانس‌های متعددی در مورد ترک‌شناسی برگزار شده است و مقالات قابل توجهی توسط اساتید دانشگاه‌های این کشور تولید شده که در آنها، زمینه‌های تقویت ایدئولوژی پان‌ترکیسم مورد بحث و بررسی قرار گرفته است (اسدی، ۱۳۸۵: ۸۱).

گسترش روابط نظامی-امنیتی باکو-تل‌آویو

دولت رژیم صهیونیستی از آغاز تدوین دکترین پیرامون، همواره نگاه ویژه‌ای به قفقاز داشته است.

1. Periphery Doctrine

2. David Ben-Gurion

3. Eliahu Sassoon

تل آویو از پیروزی انقلاب اسلامی به بعد، در سایه حمایت آمریکا سعی کرد قرینه «لبنان در کنار رژیم صهیونیستی» را در قفقاز در قالب «جمهوری آذربایجان در کنار ایران» دنبال کند (زیباکلام و دیگران، ۱۳۹۳: ۹۴). برخی حتی معتقدند که امروزه، طرح ادامه اشغال قراباغ، با همکاری دولت باکو با رژیم صهیونیستی دنبال می‌شود تا به بهانه آن، شبکه‌های جاسوسی رژیم صهیونیستی در خاک جمهوری آذربایجان فعالیت کنند و طرح بازگشایی سفارت این کشور دنبال شود. سیاستمداران رژیم صهیونیستی نیز به صراحت اعلام می‌کنند که جمهوری آذربایجان، بهترین سنگر برای ضربه زدن به ایران است و ادعا می‌کنند که تل آویو در واکنش به اینکه ایران، شیعیان لبنان را علیه رژیم صهیونیستی تجهیز کرده، آنها نیز شیعیان جمهوری آذربایجان را از لحاظ ایدئولوژی و نظامی، علیه ایران تجهیز می‌کنند (عاملی، ۱۳۹۰). بر این اساس، می‌توان این ادعا را نیز مطرح کرد که هدف تل آویو از کمک‌های تسلیحاتی به باکو، علاوه بر نفوذ سیاسی و امنیتی در این کشور، تسهیل اقدام نظامی علیه ایران - در صورت رخ دادن درگیری نظامی بین ایران و رژیم صهیونیستی - است. در این راستا، تل آویو در جریان کمک یک میلیارد دلاری تسلیحات نظامی به باکو، این شرط را در قرارداد منعقد قید کرد که جمهوری آذربایجان حق استفاده از این تسلیحات را در درگیری با ارامنه ندارد (برزویی، ۱۳۹۴: ۱۰۵-۹۹).

حتی در سال ۲۰۱۲ رژیم صهیونیستی به بهانه کمک به باکو در جبهه قراباغ، موشک‌های پیشرفته ضد کشتی به نام گابریل-۵ را در اختیار جمهوری آذربایجان قرار داد؛ در حالی که با توجه به محصور بودن ارمنستان و اینکه ایروان فاقد نیروی دریایی است، نشان می‌داد هدف اصلی در واقع ایران بوده است (جمهوری آذربایجان ...، ۱۳۹۴: ۲۲). به همین خاطر، ایران نیز بلافاصله به این مساله واکنش نشان داد و ناوچه‌های سهند و جماران را وارد دریای مازندران کرد (Kucera, 2013). در سال ۲۰۱۶، در پی افزایش درگیری‌های نظامی در جبهه قراباغ، الهام علی‌اف - رئیس‌جمهور آذربایجان - از عقد قرارداد ۵ میلیارد دلاری تسلیحاتی و امنیتی با رژیم صهیونیستی خبر داد که بنا بر گزارش انستیتو تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم، این کشور را به بزرگترین واردکننده تسلیحات از رژیم صهیونیستی از سال ۲۰۱۴ به بعد تبدیل کرد (Çalışkan, 2019). قابل تأمل آنکه، در همان زمان، پمپاد رژیم صهیونیستی «هرمس ۴۵۰» که بر فراز حریم هسته‌ای نطنز هدف اصابت موشک پدافند ایران قرار گرفت، از یک پایگاه هوایی در نخبجوان در جمهوری آذربایجان برخاسته بود (ایسنا، ۱۳۹۳). موضوعی که نشان می‌دهد گسترش روابط نظامی باکو-تل آویو، در مقاطعی، بیشتر از جبهه قراباغ، تأثیرش را در ایران نمایان کرده است.

در مقطعی دیگر نیز بنا به گفته مقامات ایران، دولت باکو بر سر اختلاف با تهران در مورد منطقه نفتی البرز در دریای مازندران یک ناو رژیم صهیونیستی را وارد آب‌های این دریا کرد و درگیری

مختصر نظامی میان طرفین نیز رخ داد (خادمی، ۱۳۹۹). همچنین بر اساس اسناد محرمانه‌ای که تارنمای ویکی‌لیکس منتشر کرد، رژیم صهیونیستی بارها از طریق خاک جمهوری آذربایجان علیه ایران جاسوسی کرده است (موسوی و توتی، ۱۳۹۱: ۷۲). امری که برخی از مقامات عالی نظامی ایران نیز به آن اشاره کرده‌اند و به دولت باکو اخطار داده‌اند. در سال ۲۰۱۲ نیز، رسانه‌های دولتی رژیم صهیونیستی اذعان کردند که «[جمهوری] آذربایجان به رژیم صهیونیستی اجازه دسترسی به پایگاه‌های هوایی در مرز ایران را داده است» (Haaretz, 2012). قابل تأمل آن که هآرتز در همین گزارش، بر پایه اطلاعاتی که در نشریه «فارین پالیسی» انتشار یافته است، مدعی شده مقامات واشنگتن از این که «رژیم صهیونیستی عمیقاً در دولت باکو نفوذ کرده است» ابراز نگرانی کرده‌اند؛ از این منظر که این نفوذ ممکن است منجر به افزایش تنش‌ها میان تهران و تل‌آویو و در نتیجه، جنگ میان دو کشور شود (Haaretz, 2012).

در اینجا توجه به یک مساله نیز ضرورت دارد، و آن اینکه اگرچه رژیم صهیونیستی باید بر اساس سیاست دکترین پیرامون، جای پای خود در کشورهای همسایه ایران را محکم کند، اما شواهد حاکی از آن است که تأکید بر ائتلاف میان باکو و تل‌آویو، بیشتر از سوی مقامات باکو انجام می‌گیرد. چنانچه تعداد زیادی از نمایندگان مجلس جمهوری آذربایجان همواره تأکید کرده‌اند که روابط باکو با تل‌آویو بسیار استراتژیک است؛ اما در مقابل، مقامات رژیم صهیونیستی - به عنوان مثال «افرایم سنه»^۱، وزیر دفاع سابق رژیم صهیونیستی - معتقدند علی‌رغم گسترش روابط و همکاری دو جانبه، جمهوری آذربایجان متحد استراتژیک رژیم صهیونیستی نیست (Çalışkan, 2018). در واقع این نکته از این منظر باید مورد توجه ایران قرار بگیرد که نقش مقامات باکو در حضور رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان و ائتلاف میان دو کشور - که تهدیدی برای امنیت ملی ایران است - بیش از نقش رویکرد و سیاست‌های مقامات تل‌آویو است. قابل تأمل آنکه، برخی از مقامات باکو، گسترش روابط نظامی-امنیتی این کشور با رژیم صهیونیستی را علناً به عنوان ابزاری علیه ایران مطرح می‌کنند؛ چنانچه «فاضل مصطفی»، نماینده مجلس جمهوری آذربایجان در پی انتشار اخباری از همکاری‌های اقتصادی تهران-ایروان در رود ارس، به صراحت اظهار می‌کند که دولت باکو باید تقویت هر چه بیشتر همکاری‌های نظامی با اسرائیل را در دستور کار خود قرار دهد (Mustafanin, 2020). جداول زیر که در یکی از تازه‌ترین گزاره‌برگ‌های (فکت شیت)^۲ «انسیتیو بین‌المللی پژوهش‌های صلح استکهلم»^۳ از اندیشکده‌های معتبر بین‌المللی در زمینه عرضه و تقاضای تسلیحات نظامی - در سال ۲۰۱۹ تهیه شده، به خوبی روابط گسترده نظامی میان باکو و تل‌آویو را نشان می‌دهد؛ آماری که بیان می‌کند جمهوری آذربایجان از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ با خرید

1. Efraim Sneh

2. Fact sheet

3. Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI)

۱۷ درصد از کل فروش تسلیحات نظامی رژیم صهیونیستی، دومین مشتری سلاح‌های رژیم صهیونیستی در جهان بوده است. همچنین جمهوری آذربایجان در بازه زمانی ذکر شده، ۴۳ درصد تسلیحات خریداری شده خود را از رژیم صهیونیستی تامین کرده که رژیم صهیونیستی را در جایگاه دومین تامین کننده تسلیحات دولت باکو قرار داده است (SIPRI Publications, 2019).

2 SIPRI FACT SHEET

Table 1. The 25 largest exporters of major arms and their main clients, 2014–18

Note: Percentages below 10 are rounded to 1 decimal place; percentages over 10 are rounded to whole numbers.

Exporter	Share of arms exports (%)		Per cent change from 2009–13 to 2014–18 ^a	Main clients (share of exporter's total exports, %), 2014–18		
	2014–18	2009–13		1st	2nd	3rd
1 United States	35	30	29	Saudi Arabia (22)	Australia (27)	UAE (6.7)
2 Russia	21	27	-17	India (27)	China (14)	Algeria (14)
3 France	6.8	5.1	43	Egypt (28)	India (9.8)	Saudi Arabia (7.4)
4 Germany	6.4	6.1	13	South Korea (19)	Greece (10)	Israel (9.3)
5 China	5.2	5.3	2.7	Pakistan (17)	Bangladesh (16)	Algeria (11)
6 United Kingdom	4.2	4.3	5.9	Saudi Arabia (44)	Oman (11)	Indonesia (11)
7 Spain	3.2	2.9	20	Australia (42)	Turkey (13)	Saudi Arabia (9.3)
8 Israel	3.1	2.1	60	India (46)	Azerbaijan (17)	Viet Nam (9.5)
9 Italy	2.3	2.7	-6.7	Turkey (13)	Algeria (9.1)	Israel (7.6)
10 Netherlands	2.1	1.9	16	Jordan (13)	Indonesia (13)	USA (11)
11 South Korea	1.8	1.0	94	Indonesia (17)	Iraq (17)	UK (15)
12 Ukraine	1.3	2.7	-47	China (27)	Russia (23)	Thailand (14)
13 Switzerland	1.0	0.9	20	Saudi Arabia (19)	China (18)	Indonesia (9.3)
14 Turkey	1.0	0.4	170	UAE (9)	Turkmenistan (23)	Saudi Arabia (10)
15 Sweden	0.7	1.9	-62	Saudi Arabia (16)	UAE (14)	Algeria (10)
16 Canada	0.6	0.5	-33	Saudi Arabia (22)	India (13)	UAE (7.6)
17 Norway	0.5	0.6	-12	Oman (28)	Finland (23)	USA (21)
18 UAE	0.3	0.2	103	Egypt (41)	Jordan (10)	Yemen (7.6)
19 Czechia	0.3	0.1	472	Iraq (40)	USA (17)	Viet Nam (9.9)
20 Belarus	0.3	0.5	-26	Viet Nam (37)	Sudan (16)	Myanmar (12)
21 Australia	0.3	0.3	3.9	USA (53)	Indonesia (25)	Oman (9.8)
22 South Africa	0.3	0.5	-35	USA (21)	UAE (21)	India (9.8)
23 Brazil	0.2	0.2	21	Afghanistan (32)	Indonesia (25)	Lebanon (9.1)
24 Finland	0.2	0.2	-9.1	Poland (56)	UK (71)	Sweden (6.7)
25 Portugal ^b	0.2	0.0	457	Romania (99)	Belgium (70)	Uruguay (2.7)

۱- لیست بزرگترین صادرکنندگان تسلیحات نظامی در جهان (جمهوری آذربایجان دومین خریدار تسلیحات رژیم صهیونیستی)

6 SIPRI FACT SHEET

Table 2. The 40 largest importers of major arms and their main suppliers, 2014–18

Note: Percentages below 10 are rounded to 1 decimal place; percentages over 10 are rounded to whole numbers.

Importer	Share of arms imports (%)		Per cent change from 2009–13 to 2014–18 ^a	Main suppliers (share of importer's total imports, %), 2014–18		
	2014–18	2009–13		1st	2nd	3rd
1 Saudi Arabia	12	8.2	192	USA (68)	UK (16)	France (6.5)
2 India	9.2	13	-24	Russia (108)	Israel (18)	USA (12)
3 Egypt	5.1	1.8	206	France (17)	Russia (16)	USA (14)
4 Australia	4.6	3.5	37	USA (60)	Spain (29)	France (5.9)
5 Algeria	4.4	2.1	55	Russia (66)	China (13)	Germany (10)
6 China	4.2	4.8	-20	Russia (100)	France (10)	Ukraine (9.4)
7 UAE	3.7	4.2	-2.8	USA (64)	France (10)	Turkey (7.9)
8 Iraq	3.7	1.6	139	USA (67)	Russia (14)	South Korea (9.4)
9 South Korea	3.1	2.6	-8.6	USA (51)	Germany (19)	UK (13.9)
10 Viet Nam	2.9	1.9	78	Russia (100)	Israel (19.1)	Belarus (16.1)
11 Pakistan	2.7	4.8	-39	China (70)	USA (8.9)	Russia (6.0)
12 Indonesia	2.5	1.4	86	UK (19)	USA (16)	Netherlands (13)
13 Turkey	2.3	2.2	-21	USA (60)	Spain (17)	Italy (11)
14 Qatar	2.0	0.7	228	USA (63)	Germany (11)	France (7.4)
15 Israel	2.0	0.5	304	USA (64)	Germany (27)	France (11)
16 United States	1.8	2.7	-47	Germany (22)	Netherlands (11)	France (11)
17 Taiwan	1.7	1.0	83	USA (100)	Germany (10.1)	Italy (10.1)
18 Oman	1.6	0.5	212	UK (14)	South Korea (17)	Norway (16.3)
19 United Kingdom	1.6	1.7	-2.3	USA (71)	Germany (26)	Israel (17.5)
20 Italy	1.5	0.6	162	USA (59)	Germany (26)	Israel (17.5)
21 Japan	1.4	1.3	1.5	USA (95)	UK (10.1)	Sweden (10.1)
22 Singapore	1.3	2.7	-53	USA (43)	France (21)	Spain (11)
23 Azerbaijan	1.2	1.2	1.5	Russia (10)	Israel (13)	Turkey (12.4)
24 Morocco	1.2	2.0	-38	USA (62)	France (13)	Italy (10.5)
25 Bangladesh	1.2	0.7	72	China (70)	Russia (10)	USA (10.1)
26 Canada	1.0	0.8	42	USA (65)	Netherlands (16)	Germany (16.9)
27 Thailand	1.0	0.7	46	South Korea (20)	Ukraine (16)	China (16)
28 Greece	1.0	1.5	-30	Germany (17)	USA (20)	France (16.4)
29 Kuwait	1.0	0.2	348	USA (87)	Russia (1.4)	Switzerland (1.9)
30 Kazakhstan	0.9	0.3	212	Russia (104)	Spain (10.3)	France (10.3)
31 Jordan	0.9	0.6	61	Netherlands (17)	USA (13)	Italy (10.4)
32 Norway	0.8	1.1	-22	USA (74)	South Korea (19.3)	Italy (16.3)
33 Afghanistan	0.8	1.5	-48	USA (66)	Russia (10)	Brazil (10)
34 Mexico	0.7	0.3	40	France (13)	France (19.4)	Netherlands (18.8)
35 Brazil	0.6	1.0	-38	France (26)	USA (17)	UK (16)
36 Myanmar	0.6	1.1	-40	China (10)	Russia (10)	Belarus (6.3)
37 Finland	0.6	0.4	64	USA (17)	Netherlands (16)	Norway (16)
38 Poland	0.6	0.6	2.5	Germany (24)	Finland (20)	Italy (16)
39 Turkmenistan	0.5	0.4	29	Turkey (43)	China (11)	Russia (11)
40 Peru	0.5	0.1	303	South Korea (34)	Russia (22)	Italy (14)

۲- لیست کشورهای دارای بیشترین خرید تسلیحات نظامی (رژیم صهیونیستی دومین تامین کننده تسلیحات جمهوری آذربایجان)

شایان ذکر است که یکی از رویکردهای رژیم صهیونیستی و غرب در قفقاز، حذف ایران از ایفای نقش فعال در بحران قراباغ است. به نظر می‌رسد از جمله اقداماتی که در این راستا دنبال می‌شود، تحریک مقامات باکو به تصویرسازی مخرب از ایران، با استفاده از ادعای حمایت تهران از ارامنه در مناقشه قراباغ است. بر این اساس، برخی از مقامات باکو این ادعا را در فضای عمومی این کشور مطرح می‌کنند که امروزه ایران بیش از روسیه به ارمنستان کمک می‌کند و اگر کمک‌های تهران به ایروان نبود، ارامنه نمی‌توانستند در جبهه قراباغ به موفقیت‌هایی که تاکنون به دست آورده‌اند، نائل شوند؛ ایرانی‌ها علی‌رغم ادعای مسلمانی و شیعه بودن از طریق خاک ما در «آذربایجان جنوبی»^۱ به ارامنه کمک می‌کنند (Rüstemxanlı, 2016). در سال‌های اخیر نیز این ادعا همچنان توسط برخی از محافل سیاسی رسمی و غیر رسمی در جمهوری آذربایجان تکرار شده است که در یکی از آخرین موارد آن تا لحظه نگارش این مقاله، در ۲۳ آوریل ۲۰۱۹ روزنامه رسمی و دولتی پنی مساوات جمهوری آذربایجان، در گزارشی تحت عنوان «سپاه [پاسداران انقلاب اسلامی ایران] حرکت‌هایی علیه جمهوری آذربایجان داشته است»، ایران را به حمایت از ارمنستان در مقابل جمهوری آذربایجان متهم کرد (Musavat, 2019-C). این در حالی است که ایران در جریان مناقشه قراباغ از ابتدا و همواره بر حق حاکمیت و تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان تاکید داشته و در مقاطعی به صورت کامل و عملیاتی، دولت باکو را در جنگ با ارمنستان یاری کرده است. چنان‌چه در آخرین درگیری میان طرفین در قراباغ - سپتامبر ۲۰۲۰ - جمهوری اسلامی ایران، بار دیگر رسماً از تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان دفاع کرد و چهار تن از ائمه جمعه و نماینده ولی فقیه در استان‌های شمالغربی ایران، طی نامه‌ای با ادبیات کاملاً همسو با مواضع دولت باکو، به صراحت اعلام کردند که بازپس‌گیری اراضی قره‌باغ توسط دولت جمهوری آذربایجان قانونی و شرعی است (مهر، ۱۳۹۹). رهبری عالی جمهوری اسلامی ایران نیز در همین مورد به صراحت بیان کردند که «همه سرزمین‌های آذربایجان که به وسیله ارمنستان تصرف شده، باید آزاد شود و جمهوری آذربایجان برای آزادی این‌ها دارای حق است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹). با وجود این مواضع کاملاً همراهانه مقامات ایران با جمهوری آذربایجان در این مقطع، مقامات این کشور اما، حتی حاضر نشدند دست‌کم در اظهارات دیپلماتیک خود، حساسیت‌های ایران به روابط آنها با رژیم صهیونیستی را در نظر بگیرند و سفیر جمهوری آذربایجان در تهران طی مصاحبه‌ای با یک خبرگزاری ایرانی به صراحت اعلام می‌کند که جمهوری آذربایجان با رژیم صهیونیستی روابط نظامی دارد و برای ارتقای امکانات ارتش خود، به همکاری با رژیم صهیونیستی ادامه خواهد داد (تسنیم، ۱۳۹۹).

برخی از ناظران، حضور رژیم صهیونیستی در قفقاز را بخشی از راهبرد آمریکا در منطقه می‌دانند و

۱. استفاده از اصطلاح «آذربایجان جنوبی» در این پژوهش به جهت رعایت امانت در انتقال دقیق محتوا انجام شده است. ناگفته نپایست که چنین اصطلاحی هیچگاه از نظر تاریخی و جغرافیایی وجود نداشته است و توسط محافل ضد ایرانی و تجزیه‌طلب ساخته شده؛ با این هدف که آذربایجان ایران، «آذربایجان جنوبی» است و جمهوری آذربایجان، «آذربایجان شمالی» که این دو بخش از هم جدا شده و باید با پیوند آنها کشور مستقل «آذربایجان بزرگ» تاسیس شود.

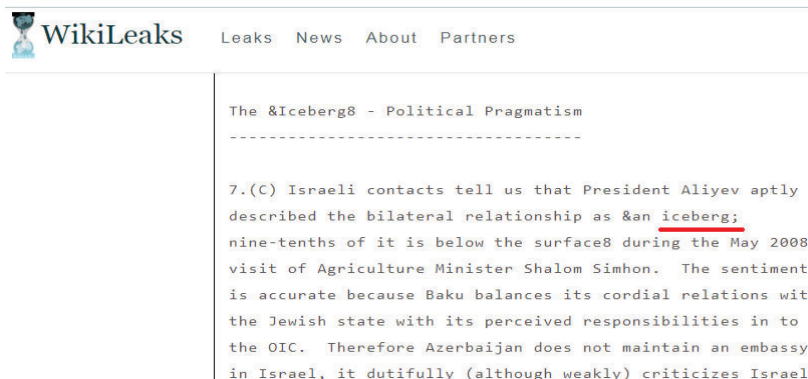
معنقدند واشنگتن حضور و نفوذ خود در قفقاز را بر پایه سیاست «همه چیز بدون ایران» دنبال کرده و جمهوری آذربایجان نیز بیشترین همکاری را با آمریکا در دنبال کردن این سیاست داشته است (متقی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۲۷). بنا به اظهارات «کریستین سینگ»^۱ دبیر سیاسی سفارت آمریکا در باکو، «واشنگتن از زمان استقلال جمهوری آذربایجان تا سال ۲۰۱۹، یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار به این کشور کمک علنی کرده است» (Mikayıloğlu, 2019). در اینجا، توجه به این نکته نیز ضروری است که ایالات متحده آمریکا همواره سعی کرده به کشورهای منطقه اینگونه القاء کند که اگر کمک‌های واشنگتن به آنها نباشد، ایران کل منطقه را به شکل یک امپراتوری در دست می‌گیرد و حتی کاری خواهد کرد که کشورهای منطقه در عرض مدت زمان کوتاهی مجبور شوند به زبان فارسی صحبت کنند (foxnews, 2018). بر این اساس، سیاست‌های ضد امنیت ملی ایران در برخی از رویکردهای دولت باکو را نیز می‌توان به عنوان بخشی از پروژه کلی غرب در منطقه، با محوریت آمریکا و رژیم صهیونیستی دانست. تهران همواره تلاش کرده به منظور مقابله با این سیاست، ساختار همکاری جویانه‌ای را ایجاد کند که دربرگیرنده خود به عنوان یک عضو فعال باشد (Martirosyan, 2009)؛ اما جمهوری آذربایجان به عنوان یکی از بازوهای اجرایی راهبرد ایالات متحده آمریکا در قفقاز (کفاش جمشید و قلی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۶۳)، مانع اصلی در رسیدن به اهداف مسالمت جویانه ایران در قفقاز است. از طرفی، تل‌آویو نیز سعی می‌کند با همکاری ترکیه و آمریکا، در منطقه قفقاز تا جای ممکن از نفوذ ایران بکاهد (Der Ghoukassian, 2008: 146). موفقیت در این سیاست، علاوه بر اینکه منجر به کاهش قدرت نرم ایران در منطقه می‌شود، منافع اقتصادی قابل توجهی نیز برای رژیم صهیونیستی به همراه دارد؛ بدین قرار که گروه‌بندی غرب در قفقاز تکمیل می‌شود و منافع اقتصادی تل‌آویو، به ویژه در بحث انرژی، از طریق تامین امنیت انتقال انرژی از قفقاز به اروپا تامین گردد (Baev, 2008: 137).

«کوه یخ» روابط سران باکو-تل‌آویو؛ به سوی ائتلاف

دهه اول قرن ۲۱ میلادی را می‌توان سرآغاز تعمیق روابط و همکاری‌های میان جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی دانست. در همین زمان بود که حیدر علی‌اف طی حکمی رسمی صدور ویزا برای تمام اتباع خارجی را در فرودگاه‌های بین‌المللی جمهوری آذربایجان ممنوع کرد، اما تنها دو کشور ترکیه و رژیم صهیونیستی را از این قانون مستثنی کرد (Aliyev, 2010). این امر رژیم صهیونیستی را از نظر جایگاه دیپلماتیک، در کنار ترکیه‌ای قرار داد که مبتنی بر ایدئولوژی پان‌ترکیسم، تنها شریک اصلی و استراتژیک باکو به شمار می‌رود و در طول تاریخ جمهوری آذربایجان، کمتر کشوری تاکنون به این جایگاه دست یافته است. بهترین گزاره‌ای که گستردگی و عمق روابط استراتژیک جمهوری آذربایجان با رژیم صهیونیستی را نشان می‌دهد، اظهار نظر حیدر علی‌اف در سال ۲۰۱۲ است که ابراز داشت «روابط جمهوری

1. Christine Singh

آذربایجان و رژیم صهیونیستی مانند «کوه یخ»^۱ می ماند که تنها یک دهم آن آشکار و مابقی پنهان است (Aliyev, 2012). چندی بعد، انتشار اسناد محرمانه دولت ایالات متحده آمریکا در تارنمای «ویکی لیکس» بر این امر صحنه گذاشت (wikileaks, 2009).



۳- سند تشبیه روابط باکو-تل آویو به «کوه یخ» از سوی علی اف در ویکی لیکس با گسترش روابط جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی و پیگیری سیاست ائتلاف دیپلماتیک میان دو کشور، رفته رفته حساسیت مقامات ایران برانگیخته شد و تهران به انحاء گوناگون، دولتمردان باکو را متوجه این مهم کرد. اما باکو از همان ابتدا سعی کرد به مقامات ایران اینگونه واکنش نشان دهد که تعمیق روابطش با تل آویو واکنشی به سطح بالای روابط ایران و ارمنستان است. در این راستا «اکنای اسداف»^۲ رئیس پارلمان این کشور ضمن تحدید ضمنی ایران نسبت به سطح بالای روابط باکو-تل آویو، اظهار کرد ایران حق دخالت در سیاست های جمهوری آذربایجان را ندارد و همانطور که تهران با ایروان رابطه خوبی دارد، ما نیز در رابطه با رژیم صهیونیستی مختاریم (Cnnturk, 2016). این در حالیست که روابط ایران با ارمنستان به عنوان دو همسایه که با یکدیگر مرز مشترک، تاریخ روابط مسالمت آمیز مشترک و منافع مشترک دارند، طبیعیست و این مهم با قرار گرفتن جمهوری آذربایجان در جایگاه کشوری که بهترین و بالاترین سطح روابط را در بین تمام کشورهای مسلمان با رژیم صهیونیستی دارد، قابل قیاس نیست. چه آنکه در سال های اخیر طیف وسیعی از روابط غیرمعمول میان باکو و تل آویو اتفاق افتاده است که به روشنی حاکی از آن است که دولتمردان باکو هیچ توجهی به حساسیت های امنیتی ایران نسبت به حضور رژیم صهیونیستی در نزدیکی مرزهایش مبذول نمی دارند. در ادامه به چند نمونه از این مهم اشاره خواهد شد:

بنیامین نتانیاهو، در دسامبر سال ۲۰۱۶ با تبلیغات فراوان، سفری به باکو انجام داد که دومین سفر

1. Ice Berg

2. Ogday Asadov

رسمی وی به جمهوری آذربایجان پس از سال ۱۹۹۷ بود که البته در آن مقطع به صورت پنهانی و بدون تبلیغات انجام شده بود. در این سفر که نشان‌دهندهٔ عمق روابط استراتژیک میان باکو و تل‌آویو است (حشمتی، ۱۳۹۵)، مذاکراتی در راستای پیشبرد سیاست‌های ضد ایرانی تل‌آویو در دستور کار قرار گرفت که یکی از محورهای آن، مذاکره در مورد «کنگرهٔ آذربایجانی‌های جهان» بود (Keinon, 2016). کنگره‌ای که مشخصاً در راستای تحریک آذری‌های ایران به تجزیه‌طلبی و تأمین منافع ملی باکو در مقابل ایران فعالیت می‌کند. در این سفر حتی طی اقدامی عجیب، الهام علی‌اف از زحمات بنیامین نتانیاهو به نمایندگی از سازمان‌های یهودی تقدیر و تشکر کرد و برای اولین بار نتانیاهو را به عضویت افتخاری کنگرهٔ آذربایجانی‌های جهان درآورد (Awdnews, 2016). در سال ۲۰۱۹، رئیس‌جمهور دولت باکو -الهام علی‌اف-، جزء معدود سران کشورهای اسلامی شد که «سالروز استقلال رژیم صهیونیستی» را -که در بسیاری از کشورهای اسلامی به «روز غزا» و «روز نکبت» مشهور است- به رئیس‌جمهور دولت رژیم صهیونیستی تبریک گفت. علی‌اف در این پیام، ضمن تبریک سالروز تأسیس رژیم صهیونیستی به بنیامین نتانیاهو، برای دولت و مردم این کشور، امنیت و فراوانی آرزو کرد و بر توسعهٔ مناسبات باکو با تل‌آویو نیز تأکید کرد (Azertag, 2019). در همین سال همچنین یک هیئت سه نفره، متشکل از نمایندگان پارلمان جمهوری آذربایجان، به عنوان تنها هیئت از یک کشور مسلمان، در نشست «آپیک»^۱، بزرگترین سازمان لابی صهیونیستی در آمریکا- حضور پیدا کرد (Musavat, 2019-A). همچنین در سال‌های اخیر، مسألهٔ بهبود جایگاه رژیم صهیونیستی در انگاره‌های ذهنی مردم جمهوری آذربایجان نیز از جمله رویکردهای قابل تأمل سران این کشور بوده است. در این راستا، روند تبلیغ و ترویج برتری یهودیت و صهیونیسم در محافل سیاسی جمهوری آذربایجان افزایش چشم‌گیری داشته است. به عنوان مثال، پایگاه اینترنتی روزنامهٔ «ینی‌مسوات»، پرتیراژترین روزنامهٔ جمهوری آذربایجان، مطلبی را تحت عنوان «بیست علت نبوغ یهودیت» در روز ۱۰ آوریل ۲۰۱۹ منتشر کرد (Musavat, 2019-B) که در آن، به صراحت به ترویج و تبلیغ صهیونیسم پرداخته بود.

سیاست هویتی-امنیتی تل‌آویو در قفقاز: پیگیری پروژهٔ پان‌ترکیسم، تجزیه‌طلبی و قومیت‌گرایی به طور کلی، مسألهٔ پان‌ترکیسم و سیاست‌های هویتی مبتنی بر این ایدئولوژی در رویکردهای دولت باکو علاوه بر اینکه از عوامل مهم واگرایی میان ایران و جمهوری آذربایجان بوده، از طرفی، هم توانسته منافع ملی ایران را تحت تأثیر قرار دهد و هم امنیت ملی ایران را نیز با تهدید جدی مواجه کرده است (جانسیز و دیگران، ۱۳۹۵: ۶). چنان‌چه پیشتر نیز گفته شد، کنترل و تأثیرگذاری بر پروژهٔ «پان‌ترکیسم»^۲ یکی از اهداف کلان و رسمی رژیم صهیونیستی در قفقاز است (فلاح، ۱۳۸۹: ۴۹-۵۸). این امر بنا به نظر برخی

۱. کمیته روابط عمومی آمریکا و رژیم صهیونیستی American Israel Public Affairs Committee

2. Pan-Turkism

از ناظران، بیش از هر چیز به این خاطر است که رژیم صهیونیستی و به تبع آن، ایالات متحده، در پی این هستند که با طرح مسأله قومیت‌ها در ایران و ترویج قومیت‌گرایی در مناطق استراتژیک ایران، رفتار ایران در منطقه را تغییر داده و ایران را در موضع ضعف قرار دهند (Shear, 2011). در همین راستا یکی از افرادی که در سال‌های اخیر به شکل متمرکزی پروژه پان‌ترکیسم باکو در ایران را جلو می‌برد، «برندا شیفر»^۱ استاد دانشگاه حیف و مشاور ارتش رژیم صهیونیستی است که فعالیت‌های مستمری را در راه ترویج تجزیه‌طلبی در آذربایجان انجام داده و همچنان نیز می‌دهد؛ که از جمله آن می‌توان به کتاب وی با عنوان «مرزها و برادری، ایران و چالش هویت آذربایجانی»^۲ اشاره کرد که با هدف توجیه تئوریک قومیت‌گرایی و تجزیه‌طلبی در ایران منتشر شد و قابل تامل آن که این کتاب بلافاصله پس از انتشار، در سال ۱۳۸۵ در یک نشریه دانشجویی در دانشگاه تهران، به فارسی نیز ترجمه و منتشر شد (شیفر، ۱۳۸۵). این تحركات از سوی دولت باکو - که در راستای تحریک گروه مشخصی از مردم ایران به تجزیه‌طلبی و قومیت‌گرایی است - به عنوان تهدیدی فعال علیه تمامیت ارضی ایران به حساب می‌آید (افشردی، ۱۳۸۱: ۴۱۹). به همین خاطر طبیعی است که ایران همواره نگران ناامنی و بی‌ثباتی در مناطق غربی و شمال غربی خود از ناحیه جمهوری آذربایجان باشد که با توجه به جمعیت آذری‌ها در ایران، نگرانی از بابت سرایت احساسات قومیت‌گرایانه و جدایی‌طلبانه از باکو به آنها وجود دارد و از این روی می‌تواند منبع ناامنی برای ایران تلقی گردد (Sadegh-Zadeh, 2008: 3). این موضوع از آن جهت برای مقامات تهران مهم است که غایت اهداف ایران در قفقاز، حفظ تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و امنیت ملی کشور است و از این منظر، نسبت به حضور قدرت‌های خارجی و گرایشات قومیت‌گرایانه در منطقه، نگران است (Ehteshami, 2002: 203).

نتیجه

از آنجایی که اولویت و اهم سیاست ایران در قفقاز جنوبی از نظر سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی، «مخالفت با عوامل ناامن‌کننده منطقه به ویژه مداخله قدرت‌های بیرونی در مسائل سیاسی و امنیتی قفقاز است»، طبیعی است که مقامات تهران نهایت توجه به هر تحولی در منطقه که امنیت ملی ایران را ممکن است با تهدید مواجه کند، مبذول دارد. البته این امر صرفاً ادعایی از سوی مقامات ایرانی نیست بلکه حتی افراد اپوزسیون ایران مانند «برندا شیفر» از کارمندان امنیتی رژیم صهیونیستی در حوزه قفقاز نیز به این مهم اذعان کرده‌اند که ایران در این منطقه یک کشور امنیت‌جو بوده که صرفاً در پی تأمین امنیت خود در آن است. بر پایه نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای به دلیل این که سرعت انتقال تهدیدات در فواصل کوتاه به مراتب بیشتر از انتقال در فواصل بلند است، وابستگی متقابل امنیتی به شکل

1. Brenda Shaffer

2. Borders and Brethren: Iran and the Challenge of Azerbaijani Identity

طبیعی افزایش می‌یابد. بر این اساس، می‌توان گفت فعالیت رژیم صهیونیستی در قفقاز در قالب ائتلاف دیپلماتیک با جمهوری آذربایجان، می‌تواند به مراتب تهدیدزاتر از اقداماتی باشد که تل آویو در خاک خودش علیه ایران انجام می‌دهد.

از طرفی بنا به نظر برخی از صاحب‌نظران و استراتژیست‌های جمهوری اسلامی ایران، مهم‌ترین تهدید امنیتی ایران در حال حاضر، اتحادی است که در منطقه دریای مازندران با محوریت آمریکا، رژیم صهیونیستی، ترکیه و جمهوری آذربایجان شکل گرفته است. جمهوری آذربایجان در کانون اتحاد مزبور قرار دارد و اگر این کشور در آن قرار نداشته باشد، بخش اعظم تهدید ایران از ناحیه این اتحاد خود به خود خنثی می‌شود. اما شواهد نشان می‌دهد که دولت باکو نقش فعالی در اتحاد ضد ایرانی مورد اشاره بازی می‌کند؛ تا جایی که برخی از ناظران معتقدند نظر به رویکردهای ضد ایرانی آشکار و نهان در جمهوری آذربایجان، سیاست‌های دولت باکو در قبال ایران، به رویکرد رژیم بعث شباهت دارد؛ از جمله اینکه: هر دو دولت، حاکم‌کشوری با اکثریت شیعه بوده که در عین حال نفت‌خیز نیز هستند؛ هر دو دولت، به گروهک تروریستی «مجاهدین خلق» (منافقین) پناه داده‌اند؛ هر دو دولت، با رژیم صهیونیستی رابطه تنگاتنگ نظامی و امنیتی برقرار کرده‌اند؛ و هر دو دولت، حامی ایدئولوژی الحاق‌گرایانه پان (پان‌عربیسیم در عراق و پان‌ترکیسم در جمهوری آذربایجان) بوده‌اند.

نظر به مخاطرات اشاره شده، می‌توان گفت اینکه مقامات تهران بی‌توجه به سیاست‌های امنیتی ساز دولت باکو در منطقه، صرفاً به خاطر تقابل با غرب، به صورت یکطرفه و بدون در نظر گرفتن ملاحظات امنیتی، توجه کافی به سیاست‌های ضد ایرانی دولت باکو، از جمله ائتلاف دیپلماتیک با رژیم صهیونیستی نداشته باشد، نتیجه‌اش چیزی جز تهدید امنیت ملی ایران نخواهد بود و در خوشبینانه‌ترین حالت، تنها منافع اقتصادی کوتاه مدتی را در شرایط تحریم، نصیب ایران خواهد کرد. مقامات جمهوری اسلامی ایران باید در سیاست‌گذاری خود در قفقاز، این نکته را مورد توجه قرار دهند که به دلیل نفوذ عمیق رژیم صهیونیستی، آمریکا و سایر لابی‌های قدرتمند ضد ایرانی در باکو، امکان شکل‌دهی روابطی با جمهوری آذربایجان که مبتنی بر منافع ملی ایران باشد با سیاست‌های کنونی این کشور فراهم نیست و ایران تنها در صورتی که وزن بین‌المللی خود را در قدرت منطقه‌ای و جهانی‌اش ارتقاء دهد، می‌تواند باکو را مجبور به تعدیل سیاست‌های خصمانه‌اش علیه ایران کند.

بنابر آنچه در نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای بر آن تأکید شده، از نظر تاریخی، دولت‌ها در وهله اول، باید نگران همسایگان خود باشند. بر این اساس، ایران باید تهدیداتی را که از ناحیه جمهوری آذربایجان با آن مواجه است بسیار جدی بگیرد. یکی از راهکارهای تهران در سیاست‌گذاری خود در قفقاز، می‌تواند پیگیری رویکرد «موازنه تهدید»^۱ در مقابل سیاست‌های ضد امنیتی باکو باشد. در سیاست

1. Balance of threat

موازنه تهدید، موازنه سازی صرفاً در برابر قدرت برتر شکل نمی گیرد، بلکه مقابل هر بازیگر تهدیدکننده ای که در نزدیکی و همسایگی یک کشور قرار دارد در دستور کار قرار می گیرد. بر این اساس، ایران باید برای خنثی کردن سیاست های ضد ایرانی دولت باکو، ترتیباتی را در این منطقه با حضور چین، هند، روسیه و به ویژه ارمنستان در دستور کار خود قرار دهد و ضمن دقت در چگونگی رابطه با این کشورها، به ویژه با روسیه، به موازنه تهدید با خطر مزبور پردازد. با توجه به اینکه در منطقه قفقاز، جمهوری آذربایجان خود را به عنوان رقیب و در تقابل با ایران تعریف می کند، طبیعی است که رقیب اصلی آن -ارمنستان- که همواره به عنوان یک همسایه مهم، برای ایران یک شریک راهبردی بوده، می تواند به خوبی نقش موازنه گر را در برابر سیاست های ضد ایرانی باکو داشته باشد. در سال ها اخیر، ایروان همواره نسبت به روابط سازنده خود با تهران پایبند بوده و حتی در شرایط تحریم های همه جانبه علیه ایران، علی رغم فشار غرب به ویژه آمریکا بر ارامنه، حامی ایران در دور زدن تحریم ها نیز بوده است؛ اما در مقابل، باکو در این دوران، اتحاد سفت و سختی با رقبای ایران به ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی برقرار کرده است. ضمن اینکه ارمنستان در بحث ایدئولوژی پان ترکیسم (از ایدئولوژی های تهدیدکننده امنیت ملی و تمامیت سرزمینی ایران) که حرکت از سرزمین های غربی ایران به سوی سرزمین های شرقی ایران را در دستور کار دارد، اولین سد جدی در مقابله با آن نیز هست. تمام اینها لزوم بازنگری جدی در سیاست های امنیتی ایران در قفقاز را می طلبد.

منابع

- احمدی، حسین (۱۳۹۴)، «دلایل تیرگی روابط ایران و جمهوری آذربایجان»، جمهوری آذربایجان، ۲۳ سال نکاپو برای دولت و ملت‌سازی، به کوشش حسین احمدی، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- اسدی، حسین (۱۳۸۵)، «روابط آذربایجان با آمریکا و رژیم صهیونیستی و سردی روابط با جمهوری اسلامی ایران»، به راهنمایی: دکتر بهرام مستقیمی، دانشگاه تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- افشردی، محمد حسین (۱۳۸۱)، ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشکده جنگ.
- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۴)، روابط ایران و جمهوری آذربایجان: نگاه آذری‌ها به ایران، تهران: وزارت خارجه.
- ایسنا (۱۳۹۳)، «پهپاد سرنگون شده اسرائیلی از نخلجوان برخاسته بود»، <https://www.isna.ir/news/93060503474>، (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۷/۱۲/۲۲).
- برزویی، مجتبی (۱۳۹۴)، «جمهوری آذربایجان، تهدید امنیت ملی ایران»، جمهوری آذربایجان، ۲۳ سال نکاپو برای دولت و ملت‌سازی، به کوشش حسین احمدی، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- بوزان، باری (۱۳۹۰)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تسنیم (۱۳۹۹)، «مصاحبه اختصاصی تسنیم با سفیر جمهوری آذربایجان: برای هر دو راه‌حل سیاسی و نظامی آماده‌ایم»، خبرگزاری تسنیم: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/07/09/2359671>، (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۹/۰۸/۲۲).
- جانسیز، احمد؛ عله‌پور، مهرداد و میرزایی، مهرداد (۱۳۹۵)، «علل واگرایی بین ایران و جمهوری آذربایجان در پرتو نظریات امنیت منطقه‌ای»، همایش بین‌المللی بحرانهای ژئوپلیتیکی جهان اسلام، تهران: موسسه آینده پژوهی جهان اسلام.
- جمهوری آذربایجان فرصت مغفول جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴)، تهران: موسسه مطالعاتی پژوهشی عماد.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۰)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: پاپلی.
- حشمتی، برهان (۱۳۹۵)، «سفر چند منظوره نتانیاو به باکو»، <http://alwaght.com/fa/News/78268>، (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۰۹/۲۴).
- خادمی، هدایت‌الله (۱۳۹۹)، «قضیه ناو رژیم صهیونیستی در دریای خزر چیست؟ / نفوذ رژیم صهیونیستی به شمال ایران»، اعتمادآنلاین: <https://etemadonline.com/content/411607>، (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۹/۰۳/۲۴).
- خامنه‌ای، علی (۱۳۹۹)، «بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سالروز ولادت پیامبر اعظم (ص) و امام صادق (ع)»، پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=46771>، (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۹/۰۸/۲۴).

- زیباکلام، صادق؛ آخوندی، هادی؛ کیانی، علی نقی (۱۳۹۳)، «آمریکا و تأثیر آن بر دستیابی ایران به هدف‌های خود در منطقه قفقاز (مطالعه موردی: جمهوری آذربایجان)»، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۷، شماره ۱، صص ۸۱-۱۰۰.
- شیفر، برندا (۱۳۸۵)، مرزها و برادری، ایران و چالش هویت آذربایجانی، ترجمه: یاشار صدقیانی آذر، تهران: نشریه دانشجویی اولوس دانشگاه تهران.
- طالبی، سجاد (۱۳۹۲)، «روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان: چالش‌ها و فرصت‌ها»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، <http://rc.majlis.ir/fa/report/show/846069> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۶/۰۳/۱۲).
- عاملی، حسن (۱۳۹۰)، «ناگفته‌هایی درباره جنگ قره باغ، ماجرای خوجالی و روابط تهران-باکو»، تابناک: <https://www.tabnak.ir/fa/news/164266> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۶/۱۲/۲۲).
- عبدالمخانی، علی (۱۳۸۹)، نظریه‌های امنیت، تهران: ابرار معاصر تهران.
- عطار، سعید و کاظمی، حجت (۱۳۹۵)، ائتلاف‌های سیاسی و توسعه اقتصادی، فصلنامه سیاستگذاری عمومی، دوره ۳، شماره ۱، صص ۱۱۳-۱۳۱.
- فلاح، رحمت‌الله (۱۳۸۹)، راهبردهای رژیم صهیونیستی در اوراسیا (با تأکید بر آسیای مرکزی و قفقاز)، تهران: اندیشه‌سازان نور.
- کفاش جمشید، محمدرضا و قلی‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۳)، «فرصت‌ها و چالش‌های عمق بخشی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان»، مجله سیاست دفاعی، شماره ۸۶، صص ۱۳۹-۱۷۲.
- کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۵)، صهیونیسم در آذربایجان چه می‌کند؟، تهران: انتشارات خبرگزاری فارس.
- کولانی، الهه (۱۳۸۹)، «جمهوری اسلامی ایران و ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۶، شماره ۱، صص ۷۵-۱۱.
- ماکیاولی، نیکولو (۱۳۹۸)، شهریار، ترجمه: داریوش آشوری، تهران: انتشارات آگه.
- متقی، افشین؛ بیژن، عارف و نجفی، سجاد (۱۳۹۴)، «حضور نظامی آمریکا در جمهوری آذربایجان و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۱۰۹-۱۳۸.
- مهر (۱۳۹۹)، «دولت آذربایجان در بازپس‌گیری اراضی قره‌باغ قانونی عمل کرد»، خبرگزاری مهر: <https://www.mehrnews.com/news/5037271> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۹/۰۷/۲۲).
- موسوی، محمدرضا و توتی، حسینعلی (۱۳۹۱)، «روابط رژیم صهیونیستی و قفقاز جنوبی و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران»، فصلنامه آران، سال دهم، شماره ۳۱-۳۰.
- هالستی، کی.جی (۱۳۹۴)، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه: بهرام مستقیم و مسعود طارم‌سری، تهران: وزارت خارجه.

لاتین:

- Aliyev, Ilham (2010), “**Azerbaijan Virtual Jewish History Tour**”, Available at: <https://www.jewishvirtuallibrary.org/azerbaijan-virtual-jewish-history-tour>, (Accessed on: 2018/10/29).
- Aliyev, Ilham (2012), “**Israel’s Secret Staging Ground: Azerbaijan**”, Available at: <http://www.deepjournal.com/p/7/a/en/3078.html>, (Accessed on: 2018/01/24).
- Awdnews (2016), “**Netanyahu selected as the congress of world Azerbaijanis’s honorary member**”, Available at: <http://www.awdnews.com/top-news/netanyahu-selected-as-the-congress-of-world-azerbaijanis%E2%80%99s-honorary-member> (Accessed on: 2017/12/19).
- Azertag (2019), “**His Excellency Mr Reuven Rivlin, President of the State of Israel**”, Available at: <https://azertag.az/en/xeber/1280254> (Accessed on: 2019/05/08).
- Baev, K. Pavel (2008), *Russian Energy Policy and Military Power*, Abingdon: Rutledge.
- Balzacq, Thierry (2005), “**The Three Faces of Securitization: Political Agency, Audience and Context**”, *European Journal of International Relations*, Vol. 11, No. 2, Pp 78-176.
- Boucek, Christopher and Revkin, Mara (2011), “**The Unraveling of the Salih Regime in Yemen**”, *CTC Sentinel*, Vol. 4, No. 3, Pp 1-24.
- Buzan, Barry and Wæver, Ole (2009), *Regions and Powers, The Structure of International Security*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Cnnturk (2016), “**Azerbaycan’dan Tahran’a tehdit: İran haritadan silinir**”, Available at: <https://www.cnnturk.com/dunya/azerbaycandan-tahrana-tehdit-iran-haritadan-silinir> (Accessed on: 2018/09/20).
- Cowie, A. P. (1989), *Oxford Advanced Learner’s Dictionary*, UK: Oxford University Press.
- Çalışkan, Burak (2018), “**İsrail’in Güney Kafkasya Stratejisi**” Available at:

- https://insamer.com/tr/israilin-guney-kafkasya-stratejisi_1833.html (Accessed on: 2019/10/25).
- Der Ghoukassian, Khatchik (2008), **“Instability in the New Imperial Periphery: A Conceptual Perspective of the Turbulent Frontiers in The Caucasus and Central Asia”**, International Affairs, Vol. 2, No. 3, pp. 146-155.
 - Der Ghoukassian, Khatchik (2008), **“Instability in the New Imperial Periphery: A Conceptual Perspective of the Turbulent Frontiers in The Caucasus and Central Asia”**, International Affairs, Vol. 2, No. 3, pp. 146-155.
 - Ehteshami, Anoushiravan (2002), **“The foreign policy of Iran”**, foreign policies of Middle East states, London: Lynne Rienner publisher, Pp. 283-309.
 - Elliot, Jeffrey M and Reginald, Robert (1989), **The arms control, disarmament, and military security dictionary**, California: ABC-Clio.
 - Foxnews (2018), **“Graham: Saudis would ‘be ‘speaking Farsi in about a week’ without US support against Iran”**, Available at: <https://www.foxnews.com/politics/graham-saudi-arabia-would-be-speaking-farsi-in-about-a-week-without-us>, (Accessed on: 2018/12/10).
 - Friedberg, Aaron (2011), **A Contest for Supremacy: China, America, and the Struggle for Mastery in Asia**, Publisher: W. W. Norton & Company.
 - Göksel, Oğuzhan (2015), **“Beyond Countering Iran: A Political Economy of Azerbaijan-Israel Relations”**, British Journal of Middle Eastern Studies, Vol. 42, No. 4, 655–675.
 - Haaretz (2012), **“Azerbaijan Granted Israel Access to Air Bases on Iran Border”**, Available at: <https://www.haaretz.com/amp/1.5209546>, (Accessed on: 2020/02/10).
 - Keinon, Herb (2016), **“Netanyahu’s trip to Azerbaijan draws Iranian Ire”**, Jerusalem Post, Available at: <http://www.jpost.com/Israel-News/Politics-And-Diplomacy/Netanyahus-trip-to-Azerbaijan-draws-Iranian-ire-475169/> (Accessed on: 2017/12/02).
 - Kucera, Joshua (2013), **“Iran Warns Azerbaijan over Israeli Missile Purchase”**, Available at: <http://www.eurasianet.org/node/67456> (Accessed on: 2017/05/08).

- Kumar, Sunil (2004), **Parties and Coalition Politics: A Comparative Study**, New Delhi: Centre for Federal Studies and Uppal Publication.
- Martirosyan, Tigran (2009), **“Iran in the Caucasus: Keeping Balance in Volatility”**, Available at: <http://www.caucasus.dk/publication14.htm>. (Accessed on: 2018/02/11).
- Mikayıloğlu, Ramiz (2019), **“US provided USD 1,3 billion aid to Azerbaijan in independence years”**, Available at: <https://ona.az/en/politics/us-provided-usd-13-billion-aid-to-azerbaijan-in-independence-years-3694> (Accessed on: 2019/05/08).
- Musavat (2019-A), **“Deputatlarımızın Vaşinqtonda sensasion bəyanatı - “Məmurlarımız sovetizmdən imtina etməlidir””**, Available at: https://musavat.com/news/deputatlarimizin-vasinqtonda-sensasion-beyanati-memurlarimiz-sovetizmden-imtina-etmelidir_602132.html (Accessed on: 2019/04/01).
- Musavat (2019-B), **“Sepah-ın Azərbaycana qarşı cəhdləri olub”**, Available at: https://musavat.com/mobile/news/sepah-in-azerbaycana-qarsi-cehdləri-olub-iddia_605239.html (Accessed on: 2019/05/22).
- Musavat (2019-B), **“Yəhudi dahiliyinin 20 səbəbi - araşdırma”**, Available at: https://musavat.com/news/yehudi-dahiliyinin-20-sebebi-arasdirma_604752.html (Accessed on: 2019/05/20).
- Mustafanın, Fazil (2020), **“İranın bu davranışlarının qarşılığında İsrailə hərbi əməkdaşlığı gücləndirməliyik...”** Available at: <https://www.moderator.az/news/321900.html> (Accessed on: 2020/04/30).
- Orwin, Clifford (1994), **The Humanity of Thucydides**, Princeton: Princeton University Press.
- Rüstəmxanlı, Sabir (2016), **“İran Azərbaycanı içəridən dağıtmaq istəyir”**, Available at: <https://metbuat.az/news/595978/sabir-rustemxanli-iran-azerbaycani-iceriden-dagitmaq-isteyir.html> (Accessed on: 2018/10/28).
- Sadegh-Zadeh, Kaweh (2008), **“Iran's Strategy in the South Caucasus”**, Caucasian Review of International Affairs, Voli. 2, No. 1, Pp. 35-41.
- Shear, Michael D (2011), **“Obama's Middle East Speech Has Many American**

Audiences", New York Times, Available at: https://thecaucus.blogs.nytimes.com/2011/05/19/obamas-middle-east-speech-has-many-american-audiences/?_r=0, (Accessed on: 2017/06/03)

- SIPRI Publications (2019), "**Trends in International Arms Transfers 2018**", Available at: <https://www.sipri.org/publications/2019/sipri-fact-sheets/trends-international-arms-transfers-2018>, (Accessed on: 2020/06/03).
- Stein, Arthur A and Lobell, Steven E (1997), "**the end of the Cold War and the regionalization of international security**", Regional orders: Building security in a new world, Pennsylvania: Pennsylvania State University Press.
- Wikileaks (2009), "**AZERBAIJAN'S DISCREET SYMBIOSIS WITH ISRAEL**", Available at: https://wikileaks.org/plusd/cables/09BAKU20_a.html, (Accessed on: 2019/10/18).

